تشکیل صندوق مهررضا در ۲۹۳ شهر

ایرنا: معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گفت: با تاکید و پیگیری های انجام شده از سوی رئیس جمهور به زودی با تشکیل صندوق مهر امام رضا(ع) یک گام بلند و اساسی در جهت برخورداری جوانان کشور از تسهیلات ویژه ازدواج، مسکن و اشتغال برداشته خواهد شد. «فرهاد رهبر» تصریح کرد: این صندوق در تمام ۲۹۳ شهرستان کشور تشکیل و اعتبارات آن نیز به صورت مستقل از تهران به حساب صندوق ها واریز می شود. وی اظهار داشت: صندوق مهر امام رضا(ع) هیچ گونه هزینه اضافی بر دوش دولت ایجاد نخواهد کرد و استانداری ها و فرمانداری ها موظف شده اند عوامل اجرایی این صندوق ها را از میان کارمندان امین و شریف فعال در دستگاه های مختلف انتخاب و آنان را برای این امر مهم مامور به خدمت کنند. رهبر ماهیت این صندوق را به لحاظ ساختار اداری، کاملاً دولتی خواند و افزود: صندوق مهر امام رضا(ع) دارای اساسنامه دائمی خواهد بود. مجمع عمومی و هیات مدیره دارد و مسئولیت عملیات اجرایی آن نیز برعهده مدیرعامل است. وی تاکید کرد: این صندوق حق ندارد در هیچ گونه فعالیت اقتصادی و تجاری مشارکت کند زیرا رویکرد اصلی این صندوق «قرض الحسنه» و انگیزه آن نیز خدمت به مردم است. وی از تاکید و دستور صریح رئیس جمهور برای پرهیز از خرید هرگونه ساختمان یا انجام هزینه های پرسنلی برای استقرار و فعالیت این صندوق خبر داد و گفت: استانداری ها و فرمانداری ها باید از محل ساختمان های دولتی در اختیار، مکان مناسبی را برای تشکیل این صندوق در نظر بگیرند. معاون رئیس جمهور افزود: کسانی که از این صندوق وام دریافت می کنند فقط یک درصد از کل مبلغ دریافتی و نه به صورت سالانه، کارمزد ثابت پرداخت می کنند که این رقم به سرمایه صندوق اضافه می شود. دکتر رهبر در مورد زمان تشکیل این صندوق گفت: رئیس جمهور به مسئولان ذی ربط تاکید کرده است این صندوق باید در سالروز میلاد مبارک حضرت فاطمه زهرا (س) مصادف با ۲۵ تیرماه کار خود را در سراسر کشور آغاز کند و دستگاه های ذی ربط در تلاش هستند تا مقدمات کار را برای آن زمان فراهم کنند. رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور کارکرد این صندوق را دارای آثار مثبتی برای مردم و دولت دانست و گفت: وامی که به متقاضیان داده می شود به سرعت در امر ازدواج، مسکن و یا ایجاد شغل به گردش در می آید که این امر آثار مثبتی را در چرخه اقتصادی زندگی مردم برجای می گذارد.

رهبر افزود: یک هیات کارشناسی، سرگرم تهیه چارچوب اصلی فعالیت این صندوق و اساسنامه و آئین نامه های مربوط به آن است که برای تصویب به هیات دولت ارائه خواهد شد. انتظار می رود در نخستین جلسه هیات وزیران در هفته آینده به این موضوع رسیدگی شود. وی با اشاره به اهداف دولت درخصوص تشکیل این صندوق گفت: دولت در تلاش است تا مردم هر شهرستان به طور مستقیم از حمایت های دولت در ارتباط با سه موضوع مهم ازدواج، مسکن و اشتغال بهره مند شوند زیرا این امر اعتماد، اطمینان و آرامش را در جامعه افزایش خواهد داد و مردم همه مناطق از ثمرات مثبت آن برخوردار خواهند شد. معاون رئیس جمهور از تمرکز زدایی، سرعت و سهولت در ارائه خدمات، افزایش اختیارات هیات امنای استان ها، اولویت دادن به مناطق کمتر برخوردار، پرداخت های پلکانی براساس دوری از مرکز و توسعه مناطق روستایی و محروم را به عنوان جهت گیری های این صندوق ذکر کرد. وی در پایان این گفت وگو تصریح کرد: امکان انتقال سرمایه صندوق ها از مناطق برخوردارتر به مناطق کمتر برخوردار وجود دارد اما خلاف این جهت، امکان پذیر نیست و مردم، کارخانجات، شرکت های دولتی و بانک ها هم نقش موثری در کمک به این صندوق خواهند داشت.

ادامه تیتر یک

خاطره وطن خواه: اگرچه مخالفان این قرارداد معتقدند این موضوع خلاف مقررات داخلی کشور است که دعاوی مربوط به یک شرکت ایرانی از سوی دادگاه خارجی مورد رسیدگی قرار بگیرد، اما به گفته کارشناسان در صورتی که قرارداد تجاری بین دو کشور منعقد شود سوئیس به عنوان یک کشور بی طرف می تواند مرجع داوری قرار بگیرد. از سوی دیگر مرجع رسیدگی کننده به دعاوی بین المللی دیوان دادگستری بین المللی که مستقر در سازمان ملل است، نیز می تواند در این رابطه حکم دهد. اگرچه شرکت رنو اعلام کرده که هنوز هیچ خبری مبنی بر تعلیق این پروژه از سوی ایران دریافت نکرده اما خبرگزاری رویترز به نقل از یکی از مسئولان شرکت رنو اعلام کرد که رنو قصد رسیدن به تفاهم در این قرارداد از طریق مذاکره را دارد. به جز طرفین این قرارداد، شرکت های قطعه ساز بیشترین زیان را از توقف پروژه خواهند برد. قطعه سازانی که پس از آزمون سخت شرکت رنو تمام توان خود را برای تولید قطعات «لوگان» به کار برده اند و اکنون محصولاتشان برای مونتاژ این خودرو آماده است. حتی در خوشبینانه ترین شرایط اگر پروژه هم متوقف نشود، تاخیر در زمان بندی تولید این خودرو موجب خسارت های هنگفتی به قطعه سازان طرف این قرارداد خواهد شد. قطعه سازانی که بعضاً به بخش خصوصی تعلق دارند و بسیاری از آنها تولید قطعات پیشین خود را متوقف و بر روی قالب های ال۹۰ متمرکز کرده اند.

■ از امضای قرارداد تا افتتاح شرکت

«پاریس، دوشنبه ۵ آبان ۱۳۸۲ (۲۷ اکتبر ۲۰۰۳) قرارداد پلت فورم مشترک با حضور مسئولان (وقت) سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، مدیران شرکت های ایران خودرو و سایپا و شرکت رنوی فرانسه امضا شد.» این خبری بود که بلافاصله بر تلکس خبرگزاری ها قرار گرفت. رضا ویسه معاون پیشین وزیر وقت صنایع و معادن و رئیس سازمان گسترش و نوسازی صنایع که خود را فاتح این قرارداد می دانست در موضع گیری نسبت به انعقاد این قرارداد آن را بی سابقه خواند که هرگز در صنعت خودروی کشور اتفاق نیفتاده و نظیر نداشته است. قرارداد ال۹۰ و پلت فورمی تحت عنوان X90 محصول جدیدی را به بازار ایران عرضه می کرد که قرار بود جایگزین خودروهای قدیمی و از رده خارج شود. بر اساس مفاد این قرارداد ۷۵۰ میلیون یورو در قالب جوینت ونچر (همکاری مشترک) در صنعت خودروسازی کشور سرمایه گذاری می شد. نیمی از این میزان سرمایه از سوی شرکت رنو به عنوان آورده و نیمی دیگر را سازمان گسترش و نوسازی صنایع (ایدرو) و دو شرکت خودروساز یعنی سایپا و ایران خودرو تامین می کردند. اگرچه سایپا بعدها جای خود را به شرکت پارس خودرو داد اما این شرکت نیز زیرمجموعه سایپا محسوب می شود. خودروهای تولید شده سواری لوگان و پلت فورم X90 نیز قرار بود براساس طراحی داخلی دو شرکت خودروساز، خودروهایی چون وانت X90 و یا آپشن های دیگری تولید شود. «لوگان» حاصل از عقد قرارداد ال۹۰ در ایران و تحت لیسانس شرکت رنو باید تولید می شد و قرار بود ۲۰ درصد از قطعات یا خودروی تولید شده در هر سال به کشورهای طرف قرارداد رنو صادر شود. شرکت رنو به جز ایران این پروژه را در چند کشور دیگر از جمله روسیه، کلمبیا، رومانی و مراکش نیز همزمان دنبال می کرد و بعضی از آنها مانند رومانی هنگام عقد قرارداد ایران به مرحله تولید هم نزدیک شده بودند. ظاهراً همه چیز به خوبی و خوشی تمام شد و پلت فورم مشترک ایران و فرانسه هم جهانی شد. رضا ویسه معتقد بود تولید ۷۵۰ دستگاه خودرو در سال ۸۲ نشانه بلوغ خودروسازان است و از آنجا که جمعیت ایران جوان بوده و تکنولوژی جهانی تولید خودرو نیز در دنیا به سوی یکپارچه شدن پیش می رود، خودروسازان ایرانی هم لاجرم باید در این مسیر قرار بگیرند. قرارداد که منعقد شد مسئولان شرکت رنو سفرهای خود را به ایران آغاز کردند. کارشناسان آنها از خطوط تولید قطعه سازان ایرانی بازدید کرده و گزینه های خود را برگزیدند. طولی نکشید که شرکت ایرانی- فرانسوی «رنو پارس» طبق قرارداد در ایران به ثبت رسید. شرکتی که ۵۱ درصد سهام آن متعلق به «رنو» و ۴۹ درصد مشترک بین ایدرو، سایپا (پارس خودرو) و ایران خودرو بود. رنو پارس پنج تیرماه ۸۳ رسماً افتتاح شد و طرفین کار خود را آغاز کردند.

> براساس قرارداد پلت فورم مشترک باید سالانه ۱۵۰ هزار دستگاه خودروی لوگان با تکنولوژی سال ۲۰۰۵ در سال اول تولید و پس از آن سالانه ۳۰۰ هزار دستگاه توسط دو شرکت ایران خودرو و پارس خودرو تولید شود. «لوگان» خودرویی است که موتوری ۱/۶ لیتری دارد، ۱۶ سوپاپه و به ۱۰۷ اسب بخار مجهز است. روش تولید این خودرو مطابق با قرارداد «مونتاژ» بوده و ۶۰ درصد قطعات آن در داخل کشور و توسط قطعه سازان ایرانی باید تولیدشود. شرکت رنو در حال حاضر پنجمین شرکت بزرگ خودروساز در جهان است که به ۲۶ کشور جهان محصولات خود را صادر می کند. «لوگان» خودرویی در کلاس B و صندوق دار است و قیمت پایه آن براساس قرارداد ۶ میلیون و ۷۰۰ یورو به ثبت رسیده است که قرار است ۷ میلیون تومان به بازار عرضه شود.

■ ورق برمی گردد

تمام این برنامه ها بدون هیچ مشکلی به اجرا درآمد. اسحاق جهانگیری وزیر پیشین صنایع و معادن به عنوان مهمترین حامی این قرارداد به امضاکنندگان این قرارداد لوح تقدیر اهدا کرد غافل از اینکه تحولات سیاسی ماه های بعد ورق را به ضرر امضاکنندگان برگرداند. ۷ خرداد ۸۳ مجلس هفتم با اکثریت اصولگرایان فعالیت رسمی خود را آغاز کرد. دو ماه پس از آنکه نمایندگان دور هفتم مجلس بر صندلی های خود مستقر شدند، حمیدرضا کاتوزیان که در کارنامه اش دکترای مهندسی مکانیک با گرایش خودرو را به ثبت رسانده بود به عنوان نماینده مردم تهران انگشت اتهام بر امضاکنندگان این قرارداد گذاشت. او که با سروصدای رسانه ای خود مدت ها تیتر خبرگزاری ها و روزنامه ها شده بود، رضا ویسه را به مناظره طلبید، مناظره ای که هرگز انجام نشد و ویسه تنها در کمیسیون صنایع و معادن حاضر به پاسخگویی به سئوالات وی شد. کاتوزیان معتقد بود قرارداد ال۹۰ استعماری است و رنو در هیچ کدام از بخش های این قرارداد تعهدی بابت متصل کردن صنایع قطعه سازی ایران به شبکه جهانی نکرده و حتی اعلام اینکه ۲۰ درصد از تولید سالانه به کشورهای طرف قرارداد رنو صادر می شود، فاقد پشتوانه محکم حقوقی است. کاتوزیان در بخش دیگری از انتقادات خود قرارداد ال۹۰ را «مونتاژکاری» می دانست و معتقد بود این پروژه برخلاف ادعای امضاکنندگان آن هرگز منجر به داشتن خودرو با «برند» ایرانی نخواهد شد. اگرچه سازمان گسترش و نوسازی بارها نسبت به این انتقادات واکنش نشان داد و حتی در جوابیه رسمی به این پرسش ها پاسخ داد اما انتقادکننده (حمیدرضا کاتوزیان) خواستار بررسی قرارداد ال۹۰ در مرکز پژوهش های مجلس شد. همزمان با این اقدام از جانب وی شکایتی تحت همین عنوان به کمیسیون اصل ۹۰ ارسال شد. سه ماه پس از بررسی این قرارداد در مرکز پژوهش های مجلس و برگزاری جلسات متناوب در همین رابطه مرکز پژوهش ها اصلاحات مورد نظر خود را به وزارت صنایع و معادن اعلام کرد و خواستار تغییر قرارداد ال۹۰ شد. یکی از مهم ترین بخش هایی که در این اصلاحات مدنظر قرار گرفته شده بود تغییر سهم ۵۱ درصدی رنو به ۵۰ درصد بود. این در حالی بود که همان زمان اسحاق جهانگیری وزیر پیشین صنایع و معادن اعلام کرد «این تغییر امکان پذیر نیست و وزارت صنایع و معادن قصد داشته با این «امتیاز» رنو را برای جدی گرفتن کار در ایران تشویق کند.»

■ مرکز پژوهش ها؛ مرکز فرماندهی

سرنخ حوادث اتفاق افتاده به مرکز پژوهش های مجلس می رسد. علیرضا طهماسبی که امروز بر صندلی وزارت در ساختمان «سنگ» خیابان سمیه تکیه داده، زمانی کارشناس دفتر زیربنایی مرکز پژوهش های مجلس بود. او به دعوت احمد توکلی رئیس این مرکز به کمک حمیدرضا کاتوزیان شتافت. اگرچه کارشناسان دیگری هم در این مسیر او را یاری دادند اما اصلاحات نهایی با اعمال نظر این دو به ثبت رسید. اصلاحاتی که شاید هرگز «طهماسبی» گمان نمی کرد روزی خود مجبور به اجرای آن شود. قرارداد اصلاح شده به وزارت صنایع و معادن رفت. مجلس فشار خود را برای اجرای این اصلاحات آغاز کرد. این فشارها درست در زمانی که قرارداد ترک سل و «تاو» از سوی مجلس هفتم به شدت مورد حمله قرار گرفته بود، موجب شد تا وزیر وقت صنایع و معادن و معاونش یعنی رضا ویسه برخورد معتدل تری نسبت به این قرارداد در پیش بگیرند. پس از پایان انتخابات نهم ریاست جمهوری قرعه به نام علیرضا طهماسبی افتاد که وزیر صنایع و معادن شود. امروز حدود ۷ ماه از نخستین روزی که طهماسبی از مجلس رای اعتماد گرفته می گذرد. بعد از خانه تکانی مدیران وزارتخانه اکنون او باید به قول خود درخصوص اصلاح قرارداد ال۹۰ عمل کند. با وجودی که تغییراتی در آرایش کمیسیون تخصصی حامی او در مجلس (یعنی صنایع و معادن) رخ داده اما موضع سیدمصطفی سیدهاشمی رئیس کمیسیون صنایع و معادن نسبت به این اقدام وزیر صنایع و معادن منفی است. با این حال حمیدرضا کاتوزیان همچنان حمایت می کند. تنها حامی که باید در روزهای آینده موضع وزیر را روشن تر کند. طهماسبی سه شنبه هفته آینده در کمیسیون صنایع و معادن مجلس حضور پیدا می کند و در رابطه با این اقدامش توضیح خواهد داد. نتیجه این جلسه قطعاً در روزهای آینده قضاوت ها را به واقعیت نزدیک تر خواهد کرد.

ادامه سرمقاله

بنابراین استراتژی آمریکا در عراق بر این قرار گرفت که شیعیان بتوانند حق اکثریت خود را به دست آورند. همین تمایل کفه موازنه قوا در داخل عراق را به نفع شیعیان تغییر داد و برای نخستین بار پس از هفتاد سال آنان توانستند در حکومت و دولت عراق به اکثریت دست یابند. هم اکنون نشانه هایی از تغییر این استراتژی به چشم می خورد. دقیق تر بگوییم دست کم تمایل نهفته در استراتژی آمریکا نسبت به شیعیان عراق تغییر یافته و یا در حال تغییر است. اما چرا؟ در تبیین بن بست پدید آمده در تاملات سیاسی در عراق و تشدید خشونت در این کشور در چند ماه گذشته می توان به مباحث زیر توجه کرد:

واقعیت این است که از همان ابتدا که رویکرد اشغال عراق، در لوای شعار خاورمیانه بزرگ و دموکراتیک، کشورهای عربی را هدف قرار داد نگرانی های بسیاری این کشورها را فراگرفت. کشورهای عرب گرچه از روابط حسنه و ویژه ای با آمریکا برخوردار بودند، ولی هر دو سیاست و به خصوص چگونگی اجرای آن را به سختی به چالش کشیدند. آنان در پس اشغال عراق همواره نگران روی کار آمدن حکومتی مذهبی و شیعی بودند. از همین رو هریک، به شیوه خود، به مخالفت با سیاست آمریکا پرداختند. با این حال حکومتی شیعی در عراق تشکیل شد و اکثریت شیعی همراه با گروه های کرد که نوعاً با کشورهای عربی ارتباط خوبی نداشتند، بر سر کار آمدند. در نتیجه این تحولات، موازنه سنتی در میان اعراب خلیج فارس و منطقه خاورمیانه و نیز میان اعراب و آمریکا بر هم خورد.

کشورهای عربی همواره برای رویارویی با چالش های سیاسی خود، چه در داخل و چه در خارج، روی کمک آمریکا حساب می کردند. آمریکا نیز در تمام موارد در کنار حکومت های این کشورها قرار داشت. اما در موضوع اخیر، آمریکا خود بزرگترین چالش را سبب شده بود. آمریکا از یک سو در برابر جهان عرب متمایل به سنی مذهب، حکومت عربی و شیعی را قرار می داد و از سوی دیگر خواستار دگرگونی سیاسی در آن کشورها و قلع و قمع گروه های مذهبی افراطی بود. هر دو این تحولات به معنای تضعیف جهان عرب بود و وضعیت تازه ای را سبب می شد که می توانست به سقوط رژیم در برخی کشورهای عربی بینجامد. کشورهای عربی نه تنها نیروی شبه نظامی را، همچون القاعده و طالبان، که بعضاً موجب بسط نفوذ و قدرت شان در منطقه شده بود، از دست دادند، بلکه موجودیت خود را نیز در معرض خطر دیدند. از سوی دیگر روی کارآمدن حکومت شیعی موجب ارتقای جایگاه اقلیت شیعه در کشورهای سنی شد و ایران شیعه را نیز از جایگاه برتری برخوردار کرد. در مقابل اعراب در وضعیت به مراتب ضعیف تری قرار گرفتند. بدین ترتیب کیفیت ارتباط اعراب و آمریکا، موازنه سیاسی بین گروه های داخلی شیعه و سنی، موازنه قدرت و نفوذ سیاسی در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس و بالاخره موازنه سیاسی بین ایران و اعراب تا حدودی برهم خورد. این برهم خوردن توازن موجب شد که از ابتدا اعراب در اندیشه رویارویی با این تحولات باشند. گرچه ممکن است مقابله با تحولات به معنای نوعی درگیری با آمریکا تلقی شود، ولی نشان دهنده آن نیز هست که اعراب در سکوت و بدون تبلیغات گام های عملی در این عرصه برداشته اند و از خصومت های سنتی آمریکا با کشورهای تندرو عرب، نظیر سوریه و نیز ایران کمال بهره را برده اند. بدین ترتیب تلاش آنان برای جلوگیری از عملی شدن استراتژی آمریکا در به قدرت رساندن اکثریت جدید در عراق (شیعیان و اکراد) نسبتاً موفقیت آمیز بوده است.

در تجزیه و تحلیل خشونت های عراق نیز به چند نکته می توان پی برد:

نخست، درباره طرف های درگیر. پیکره اصلی گروه های خشونت گرا و حمله کننده را پس از اشغال کامل عراق، صدامیان، اعضای القاعده و سپس تندروهای منتسب به سنی مذهب ضدشیعه تشکیل دادند. قربانیان که طرف دیگر درگیری را تشکیل می دادند در ابتدا بیشتر نیروهای اشغالگر و سپس بیشتر شیعیان بودند. جایگاه جهان عرب در این کارزار طبعاً اغلب به جانب گروه های خشونت گرا متمایل بود.

دوم، زمان اوج گیری خشونت ها علیه شیعیان. در این خصوص هرگاه موضوع انتخابات و مراجعه به آرای مردم مطرح می شد، از خشونت علیه شیعیان به عنوان یک اهرم استفاده می شد و مذاکرات سیاسی بین گروه های شیعه و سنی با شدت خشونت ها ارتباط می یافت. به روشنی معلوم بود هرگاه که باج خواهی های سیاسی به نتیجه نمی رسد خشونت علیه شیعیان اوج می گیرد. در این عرصه نیز مواضع اتخاذ شده از جانب بسیاری از کشورها و سازمان های عربی به گونه ای بوده که به نوعی تسامح و تایید خشونت های گروه های تندرو و طرفداران صدام را به ذهن متبادر می سازد.

سوم، درخور توجه بودن روابط رسمی و رفتار دیپلماتیک کشورهای عربی با عراق. بیشتر این کشورها به عراق به عنوان کشوری فرودست که می تواند رقیب بالقوه آنان باشد می نگریستند و رفتار ظاهری لااقل این گونه القا می کرد که آنان تمایلی به شناسایی عراق جدید ندارند. در این حال نکته جالب اینکه همه این کشورها به دولت دوران انتقالی ایاد علاوی روی خوش نشان دادند و به توسعه روابط دیپلماتیک با وی پرداختند، گرچه وی یک عنصر بعثی قدیمی و متمایل به آمریکا است و سیاست هایش، هم به لحاظ نزدیکی با کشورهای عربی و هم ضدیت با ایران و گروه های مذهبی، یادآور سیاست های صدام بود. حال آنکه پس از اولین انتخابات آزاد و روی کار آمدن ابراهیم جعفری به شکل های مختلف در پی خرده گیری و بهانه جویی از وی برآمدند. این رفتار نیز نشان می دهد که کشورهای عربی استراتژی آمریکا در عراق را به چالش می کشند.

نکته چهارم، منبع امکانات مالی و تسلیحاتی خشونت گرایان است. آیا می توان پذیرفت که این همه تسلیحات و مهمات که هر روزه علیه مردم عراق به ویژه شیعیان به کار می رود باقی مانده مهمات دوران صدام حسین باشد که نیروهای آمریکایی و یا عراقی آن را نیافته اند؟ اگر چنین نیست این مهمات از کدام سو می آید و چه کسانی آنها را تامین می کنند. نکته بعد این است که بهای این سلاح ها را چه کسانی می پردازند؟ آیا باقی مانده پول های پنهان شده صدام است که هزینه این خشونت ها را تامین می کند؟ در پاسخ باید گفت که نه تسلیحات و مهمات قابل توجهی از زمان صدام و به طور آزاد در دست مردم مانده است و نه پولی از آن دوران هزینه ها را تامین می کند. در این میان هرچند نمی توان به سادگی تهمت تامین تسلیحات را متوجه کشورهای عربی کرد، ولی در عین حال نمی توان جوامع افراطی آنان را از موضوع بری دانست و تساهل و یا ناتوانی حکومت ها درباره آنان را امری عادی تلقی کرد. همه تحلیل ها حکایت از آن دارد که فشار بر گروه های شیعه حاکم و قدرتمند شدن گروه های سنی و غیرمذهبی با خواست و تمایلات مورد خواست جهان عرب همسویی دارد. در واقع به نظر می رسد منافع جهان عرب با منافع عراق جدید با حاکمیت جدید و دموکراتیک در تضاد است. هر قدر درگیری در عراق ادامه یابد آمریکا در جبهه عراق زمین گیرتر و موضوع خاورمیانه بزرگ از دستور کار دور می ماند و یا به کلی خارج می شود. در این مکتب فکری درماندگی آمریکا در باتلاق عراق نه تنها بلااشکال، بلکه خوب نیز هست. از سوی دیگر به قدرت رسیدن حکومتی ضعیف در عراق و تخاصم آن با ایران نیز قدرت سیاسی بیشتری به اعراب منطقه می دهد. این امر نیز می تواند به تعیین تکلیف درگیری های خشونت آمیز در عراق کمک کند. بنابراین به نظر می رسد کشورهای عربی با این اقدامات و موضع گیری های خود تلاش می کنند موازنه سیاسی علیه خود را بازتعریف و متعادل کنند.

در این میان نشانه هایی بر نگرانی آمریکا و تغییر استراتژی آن کشور دلالت می کند. آمریکا که حکومت اکثریت را پذیرفته بود و به قدرت رسیدن شیعیان و اکراد را برای ایجاد موازنه موردنظر خود در جهان عرب لازم می دانست، اینک دچار تردید شده، به نوعی از حمایت اکثریت دست شسته و بر گروه های افراطی و تروریست سنی مذهب سهل گرفته است. چنین به نظر می رسد القائات کشورهای عربی در مورد گروه های شیعه و کرد و ترساندن آن کشور از شیعیان عراق و همسویی آنان با ایران تا حدودی در آمریکا اثر کرده و آن کشور را وادار به تردید ساخته است. در مجموع می توان چنین گفت که گرچه آمریکا مدعی است که قدرت نظامی فائقه در منطقه است، اما خود را در جایگاه قدرت فائقه سیاسی تثبیت نکرده است. عوامل و عناصر متعددی در ایجاد بلوا و آشوب و جنگ داخلی و نیز آرامش و صلح در عراق موثرند. کشورهای عربی از جمله مهمترین این عوامل هستند. اعراب منافع فراوانی دارند و در مقابل با خطرهایی جدی نیز رویارویند. موازنه سنتی در میان آنها و میان آنها و ایالات متحده برهم خورده است و دور نیست زمانی که کشوری شیعی به کلوپ آنان وارد شود. پذیرش این واقعیت برای اعراب بسیار دشوار است، بنابراین بسیار خواهند کوشید که از رخداد آن جلوگیری کنند و یا آن را بی رنگ کنند. در چنین موقعیتی است که انجام مذاکره میان ایران و آمریکا در مورد عراق معنا و مفهوم بسیار مهمی می یابد. این مذاکرات نه از منظر مناسبات ایران و آمریکا که از منظر تثبیت یک تحول مهم و ظهور یک حکومت شیعه و نیز ثبات در عراق بسیار مهم است. منافع حیاتی ایران ایجاب می کند که این مذاکرات از منظر ایجاد ثبات در عراق، روی کار ماندن یک حکومت اکثریت شیعه و پایبند به روابط حسن همجواری با ایران انجام شود. در این میان لازم است که نگرانی های جهان عرب نیز در نظر گرفته شود و به نحوی به آنان اطمینان داده شود. توجه به خواسته های آنان باج دادن به شمار نمی آید بلکه کمک به ایجاد توازن جدید و ثبات در منطقه خواهد بود. چنین نتیجه ای می تواند آثار مثبتی بر منافع ایران در منطقه و جهان داشته باشد.

خبرها

شوک قیمت سکه، تب ورود بیماری هلندی

بازتاب: در حالی که روز گذشته، بالا رفتن بی سابقه قیمت سکه به بازار ایران شوک وارد کرد، کارشناسان در جست وجوی عوامل این رویداد مهم اقتصادی و راهکارهای مهار آن هستند. در هفت روز گذشته، قیمت طلا در بازار جهانی نیز رو به فزونی گذاشته است، اما افزایش کم سابقه قیمت سکه را نمی توان تنها برخاسته از این یک عامل دانست. از این رو کارشناسان موضوع پرونده هسته ای ایران، افزایش نقدینگی در جامعه و کاهش سود بانکی را در این پدیده موثر می دانند. در این حال یک کارشناس اقتصادی با اشاره به پیامدهای بیماری موسوم به «هلندی» گفت: «متاسفانه دولت بدون در نظر گرفتن پیامدهای ناشی از کاهش بهره بانکی و اثرات متقابل آن با تصویب این کاهش و به تبع آن خروج نقدینگی از بانک ها، این سرمایه ها که در اقتصاد به «سرمایه های سرگردان» موسومند وارد بازار طلا و سکه شده و با خرید سکه اوضاع این بازار را بحرانی کرده اند. وی با اشاره به این که قیمت سکه ممکن است افزایش یابد، افزود: بهترین راهکار برای ثابت نگه داشتن و پائین آوردن قیمت سکه، این است که با توجه به پائین بودن قیمت طلای جهانی به نسبت قیمت سکه در ایران دولت باید با استفاده از این اختلاف قیمت از خارج کشور طلا خریده، در داخل تبدیل به سکه و در بازار عرضه کند. این کارشناس ادامه داد: با این عمل عرضه زیاد شده و قیمت سکه ثابت و حتی کاهش خواهد یافت و سرمایه های سرگردان با توجه به عدم توانایی رقابت با دولت از گردونه این بازار خارج خواهند شد. وی افزود: اکنون همین روش درباره دلار هم انجام می شود و از آنجا که دولت مدام به فروش ارز اقدام می کند، به صورت مصنوعی قیمت آن را ثابت نگه داشته است. وی گفت: البته دولت باید به راهکارهای اقتصادی تر روی آورد تا کنترل بازار و اصلاح وضعیت آن بادوام و پایدار باشد. وی با تاکید دوباره بر اقدام سریع و منطقی دولت در این عرصه افزود: اگر دولت در این برهه کوتاهی کند، این نقدینگی با تاخیر فاز زمانی حدوداً شش ماهه، وارد بخش زمین و مسکن شده و اوضاع اقتصادی را به مراتب بحرانی تر خواهد کرد.

موافقت کمیسیون انرژی با رئیس جمهور

مهر: رئیس کمیسیون انرژی مجلس به پیشنهاد جدید رئیس جمهوری ایران برای عادلانه شدن قیمت طلای سیاه در جهان اشاره کرد و گفت: کشورهای اوپک به منظور کاهش بحران های ناشی از رشد قیمت نفت در کشورهای فقیر مجبور به کمک به این کشورها از بخشی از درآمدهای ارزی خود هستند. کمال دانشیار از موافقت اعضای کمیسیون انرژی مجلس از تاسیس این صندوق خبر داد و گفت: این پیشنهاد رئیس جمهور از تفکرات انسان دوستانه وی نشأت می گیرد. وی افزود: با تشکیل این صندوق بخشی از تورم ناشی از قیمت نفت به کشورهای فقیر تزریق می شود چرا که هم اکنون از ۲۰۰ کشور موجود در دنیا، ۵۰ کشور بسیار ثروتمند و ۵۰ کشور نیز بسیار فقیر بوده و مابقی نیز در سطح متوسط هستند. به گفته وی کشورهای مصرف کننده و تولید کننده نفت همگی باید قبول کنند که افزایش قیمت نفت آثار خود را بر کشورهای فقیر با بحران نشان خواهد داد و به همین منظور این کشورها باید به منظور جلوگیری از بروز این بحران ها به کشورهای فقیر کمک کنند. وی اضافه کرد: در حال حاضر قیمت واقعی نفت ۱۰۰ دلار است که اگر سیاست های آمریکا در این باره همچنان ادامه یابد این قیمت ممکن است به ۲۵۰ دلار نیز تا ۱۰ سال آینده برسد که در این صورت کشورهای تولید کننده می توانند بخشی از درآمدهای مازاد خود را از صادرات نفت به کشورهای فقیر تزریق کنند. رئیس کمیسیون انرژی مجلس درباره احتمال عدم هماهنگی دیگر کشورهای اوپک گفت: کشورهای عضو اوپک مجبور به قبول این کار هستند چرا که بحران هایی که از رشد قیمت نفت در کشورهای فقیر ایجاد می شود هزینه سنگینی را برای آنها در بر خواهد داشت.

گرانی نفت و مسابقه برای تولید انرژی

در آلمان تبدیل گرمای زمین به نیروی برق هر روز طرفداران بیشتری می یابد. بهای نفت خام بار دیگر سیر صعودی پیمود و به بالاترین سطح در سال جدید رسید. کارشناسان اوج گیری تنش اتمی ایران، حمله های شورشیان نیجریه به خطوط لوله نفت و کاهش ذخایر استراتژیک آمریکا را دلایل عمده افزایش نرخ نفت تشخیص دادند. براساس پیش بینی کارشناسان، روند افزایش بهای نفت خام در روزهای آینده ادامه خواهد یافت و نرخ انواع نفت تگزاس و برنت مرز ۷۰ دلار را نیز پشت سر خواهد نهاد. در این میان عربستان سعودی اعلام کرد که برای کمک به تثبیت بهای نفت تصمیم دارد ۴۱ میلیارد دلار در تاسیسات نفتی خود سرمایه گذاری کند. با این اقدام، مهمترین عضو اوپک خواهد توانست ظرفیت تولید خود را از ۹ میلیون و ۵۰۰هزار بشکه، به ۱۲ میلیون و ۵۰۰هزار بشکه در روز افزایش دهد. نتیجه فوری بالا رفتن بهای نفت، کاهش ارزش سهام بورس های غرب و افزایش نرخ فلزات قیمتی مثل طلا، نقره و همچنین مس بود. نرخ هر اونس طلا، برای نخستین بار ظرف ۲۶ سال گذشته به ۶۰۰ دلار رسید و بهای نقره نیز در بورس های جهانی رکورد ۲۳ سال گذشته را شکست. نوسانات شدید نرخ نفت و گاز اکنون کشورهای صنعتی جهان را وادار به تلاش بیشتر در راه استفاده از انرژی های غیرفسیلی کرده است. مهمترین نمونه سوئد است که بر اساس یک برنامه تازه می خواهد تا سال ۲۰۲۰ خود را به طور کلی از نفت بی نیاز کند. «گوران پرسون» نخست وزیر سوئد این هفته شخصاً ریاست کمیسیونی را به عهده گرفت که برای تحقق این هدف برنامه ریزی می کند. سهم نفت، در تامین انرژی سوئد هم اکنون نیز از بیشتر کشورهای صنعتی جهان کمتر است.

نگاه

شوک سکه و نقدینگی

پویان مشایخ آهنگرانی: با شوک افزایش قیمت جهانی طلا بازار سکه ایران عکس العمل شدیدی از خود نشان داد. تلاطم بازار سکه در چند روز گذشته نشان از بی قراری و در عین حال توانایی صاحبان نقدینگی در هجوم به بازار جدید دارد و از این رو است که بعضی ها از آن به عنوان «بیداری اژدهای خفته نقدینگی» یاد کردند. از طرف دیگر صاحبان صنایع مرتباً از کمبود نقدینگی می نالند و می گویند در نبود نقدینگی نمی توانند در حداکثر توان تولیدی خود کار کنند. سئوال اساسی اینجا است که ماهیت این نقدینگی چیست که از سویی می تواند عصای دست تولید باشد و از سوی دیگر می تواند همانند اژدها آرامش اقتصادی را بر هم زند؟ باید به یاد داشته باشیم که کمبود تولید به معنای افزایش بیکاری، کاهش درآمد مردم، گسترش فقر و تبعات اجتماعی و فساد ناشی از آن است. همان طور که سد و شبکه های آبیاری اژدهای سیلاب را به سیستم آبرسانی مولد بدل می سازد در اقتصاد نیز بازار پیشرفته پولی می تواند اژدهای نقدینگی را در جهت تولید رام کند. شاید بتوان گفت که یکی از بزرگترین گرفتاری های اقتصاد ایران، کارا نبودن ابزارهای مالی برای هدایت این نقدینگی به سوی تولید است. در همه جای دنیا سیستم بانکداری خصوصی در کنار بازار اوراق قرضه از ارکان اساسی کنترل نقدینگی و هدایت آن به سوی بخش های تولیدی هستند. بانکداری خصوصی نیز در دوران نوزادی خود با مصوبه اخیر مجلس با چالش اساسی مواجه شده و نقش تاثیرگذار خود را از دست خواهد داد. بازار اوراق قرضه نیز اصولاً وجود ندارد و اوراق مشارکت نیز به علت تضمین شدن اصل آن تا موعد مقرر ماهیتی جز حساب های پس انداز ندارند و متاسفانه گاهی به اشتباه اوراق قرضه خوانده می شوند. اوراق مشارکت جز در به تاخیر انداختن اثرات حجم نقدینگی نقش دیگری در اقتصاد ندارند. این اوراق باید در بازار بورس معامله شده و اصل آن نیز توسط بنگاه تولیدی انتشار دهنده آن صرفاً در زمان مقرر تضمین شود. انتشار اوراق قرضه و آماده نمودن بستر مناسب برای فعالیت آزادانه بانک های خصوصی دو راهکار مهم برای هدایت نقدینگی سرگردان به سوی تولید است و فقدان آنها از نقدینگی به جای ابزار تولید اژدهایی خواهد ساخت که هرازگاهی آرامش اقتصاد را بر هم خواهد زد.

بیانیه ائتلاف سبزاندیشان

در آستانه انتخابات سازمان مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی کشور ضمن دعوت به مشارکت فعالانه و دخالت آگاهانه اعضا در تعیین سرنوشت صنفی خویش بیانیه ای را با تکیه بر اهدا